



قنوار

اسماء

سرشناسه	: خانه قرآن و عترت تسنیم (قم)
عنوان و نام پدیدآور	: آسمانیان شهر قنوت / گردآورنده جمعی از دانش پژوهان خانه قرآن و عترت تسنیم
مشخصات نشر	: کرج: چکامه باران، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۱۷۷ ص: مصور.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۲۶-۶۲-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷-۱۳۵۹ -- شهیدان -- خاطرات
موضوع	: Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Martyrs -- Diaries
موضوع	: شهیدان -- ایران -- قم (استان) -- بازماندگان -- خاطرات
موضوع	: -- Martyrs -- Iran -- Qom (Province) -- Survival Diaries
رده بندی نگره	: DSR۱۶۲۵/۱۳۹۷
رده بندی دیوید	: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۳۸۴۳۷۰



آسمانیان شهر قنوت

گردآورنده	جمعی از دانش پژوهان خانه قرآن و عترت تسنیم
چاپ	اول - پاییز ۱۳۹۷
شمارگان	۱۰۰۰ نسخه
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۸۰۲۶-۶۲-۴
قیمت	۱۸۰۰۰۰ ریال
طراحی جلد و صفحه آرایی	حسین فلاح
دفتر نشر: کرج، بلوار شهید مؤذن، ابتدای شهرک جهازی ها، پلاک ۳۱-۲-۳۴۴۹۵۶۰۲	
دفتر چاپ: قم خیابان معلم، مجتمع ناشران، شماره ۲۰۱ - ۳۷۷۲۳۰۸۰-۲۵	
chakamebaran.ir	chakamebaran@yahoo.com

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

فهرست

۷	یاد ستاره‌ها.....
۹	مقدمه.....
۱۱	شهید ابوالفضل سعادت‌خانی.....
۱۸	شهید حسن ایل سعادت‌مند.....
۲۷	شهید سید علی موسوی.....
۳۳	شهید غلامحسین کاشانیان.....
۴۲	شهید حسینعلی نمک‌شناس.....
۴۹	شهید محمد علی ایل سعادت‌مند.....
۵۶	شهید ابوالفضل اسکندری.....
۶۳	شهید ابوالفضل.....
۷۱	شهید ناصر کبری.....
۷۸	شهید محمد باکمال.....
۸۳	شهید علی‌اکبر خداداد.....
۹۰	شهید قاسم خیری سعادت‌ی.....
۱۰۰	شهید سیف‌الله کاشانیان.....
۱۰۷	شهید سید محمد ابراهیم جنابان.....
۱۱۴	شهید رضا سعادت‌ی.....
۱۲۱	شهید جواد خان سعادت‌ی.....
۱۲۸	شهید مصطفی سعادت‌خواه.....
۱۳۲	شهید احمد جلالی.....
۱۳۸	شهید حسین مجدد.....
۱۴۵	شهید مرتضی سعادت‌خوش.....
۱۴۹	شهید مجید نمک‌شناس.....
۱۵۵	شهید رضا کاشی.....
۱۶۱	شهید رضا قاسمی سعادت‌مند.....
۱۶۵	شهید حسین ایل سعادت‌مند.....
۱۷۱	شهید حبیب‌الله کرمانی.....



مقدمه

آنچه پیش رو دارید، نه قصه است و نه افسانه؛ حقایقی است از زندگی جوانان شهرمان که در طول هشت سال دفاع مقدس حماسه‌ها آفریدند و سرود همت و غیرت سر دادند. جمعی از بانوان شهر، یاعلی گفتیم و قلم همت به دست، پایه‌ای خانواده شهدا، روزها و ساعت‌ها به نیت هم‌دلی، غم غصه‌های‌شان را خه‌ردیم. با دلی سوخته و اشک‌هایی غلتان، خواهری را تفسیر کردیم و خاطرات شیرمردان این دیار را سرمشق و در دفتر دل‌مان رونویسی کردیم تا رسالتی ریایی به‌جا آورده باشیم.

دست به قلم بردیم و نوشتیم تا فراموش نشود هنوز صدای هق‌هق و گریه مادری در گوش تاریخ شنید می‌شود هنوز بغضی سنگین در گلوی پدری جاخوش کرده است. باران اشک در چشم خواهری حلقه بسته است و هنوز کمر برادری خم است از غم برادرش. شاد روز، دست نوازش‌گر پدری حسرتی به دل پسرش باشد. شاید نگاه همسری هنوز در مانده باشد و حتی شاید پدر و مادری، دل‌شان تاب نیاورده باشد و زودتر به دیار پسرشان به آخرت سفر کرده و فرزندشان را به آغوش کشیده باشند.

نوشتیم تا فراموش نشود اگر راه باز است و معبرها خالی، نه مینی هست و نه خمپاره‌ای، نه صدای توپی می‌آید و نه خبری است از آژیر ترسناک خطر؛ همه و همه از صدقه‌سر این شیرمردان و سربازان روح‌الله است. همانانی که دل از دنیا کردند و چشم به روی خوشی‌های گذران آن بستند و راه ارباب در پیش گرفتند و بی‌هیچ منتی، در خرماپزان جنوب و سرمای سوزناک غرب، ایستادگی کردند. جوانانی که شهادت را با ایثار جان خویش معنا نمودند.



نوشتیم تا فراموش نشود چطور با اشتیاق، پیشانی‌بند یازهرا و یاحسین را بستند و شعر «کربلا! کربلا! ما داریم می‌آییم» سردادند و هیئات منا الذله را فریاد کشیدند.

نوشتیم تا فراموش نشود اگر دشت‌ها پر از شقایق‌اند و آسمان پر از ستاره؛ پیشکشی است از طرف آن‌ها، آن‌هایی که دل‌شان دریا بود و چشم‌شان خوسید و دست‌های‌شان سخاوت‌خدایی داشت.

نوشتیم تا فراموش نکرده‌ایم و نمی‌کنیم که اگر هستیم، هست‌مان در گرو نیست، آن‌ها...

